



Öz

Başka söz kalıplarında olduğu gibi şiirde de şairin amacı sonuçta anlamı iletmek olmasından dolayı kavram ve mazmun şiirin en önemli unsurlarından sayılır. Mazmun şairin düşündüğü ve bize aktardığı anlamdır: ahenk, duygu, hayal gücü ve tasvir unsurlarıyla bağlantıları sonucu şairsel bir hal alan anlam. *Kur'ân*, hadis ve sünnet, eski edebi eserler, genel kültür ve bunların yanında başka dillerden yapılan çeviriler çocuk ve genç şiirlerindeki mazmunların asıl kaynakları arasında sayılır. Şiirdeki özel cazibeler dolu ve zengin bu kaynaklara erişmek, özellikle düşünsel, kültürel engellerin ve sorunların olduğu bu yüzyılda faydalı ve uygun bir araç olarak şiirden çocukların ve delikanlıların paylarını almaları için çok faydalıdır. bu makalede mazmun kelimesinin terimsel ilk anlamı ve onunla ilgili unsurları aydınlatmayı, daha sonra çocuk ve genç kuşak şiirinde mazmunlar ile teknik unsurları incelemeyi hedeflemektedir.

Anahtar kelimeler: Şiir, Çocuk, Delikanlı, Mazmun.

ABSTRACT

In the poetry also, as the all other utterance figures, the aim of announcer is the instillation of the meaning. We can consider the meaning and content as the most basic element in the poetry. The content, is the thing that poet has in his mind and says to us; that meaning

* Doç. Dr. Rahim Koushesh, Urmıye Üniversitesi, Edebiyat Fakültesi, Fars Dili ve Edebiyatı Bölümü Öğretim Üyesi. Atatürk üniversitesi, Edebiyat Fakültesi, Fars Dili ve Edebiyatı Bölümü Misafir Öğretim Üyesi.

which has achieved a poetic mode, because of joining with the elements like music, feeling, imagination, and picture. The holy Quran, Hadith, Sireh and Sonnat, ancient literary works, folklore, and translation from other languages can be considered as the basic sources in composition of children and teenagers poetry.

Especially in this age that has its very certain, intellectual and cultural problems and difficulties, with regard to the certain attractions that the poetry has, and with turning to these wealthy resources, we can use the poetry as a very useful media in the mental and psychological cultivation of children and teenagers and their enjoying from spiritual and intellectual cheerfulness.

The author in this article in first wants to illuminate the colloquial concept of "content" and the connected elements, and then discuss about appropriate styles of enterprise of content in the poetry of children and teenagers, and the influence of in technical parameters in its quality.

چکیده

با توجه به این که در شعر نیز همانند تمامی صورتهای کلامی دیگر، مقصود گوینده در نهایت القای معنی است، می‌توان مفهوم و مضمون را اساسی‌ترین عنصر شعر به شمار آورد. مضمون، همان چیزی است که شاعر در نظر دارد و با ما می‌گوید؛ همان معنا و مفهومی که در نتیجه پیوند با عناصری از قبیل آهنگ، احساس، تخیل و تصویر، حالتی شاعرانه یافته است. قرآن، حدیث، سیره و سنت، آثار ادبی کهن، فرهنگ عامه و در نهایت، ترجمه از زبان‌های دیگر را می‌توان از منابع و مصادر اصلی مضامین شعر کودکان و نوجوانان به شمار آورد.

با توجه به جاذبه‌های خاصی که در شعر هست و با توسل به این منابع سرشار و پربار، بخصوص در عصر حاضر که موانع و مشکلات فکری و فرهنگی بسیاری در آن وجود دارد، می‌توان از شعر به عنوان وسیله‌ای سودمند و مناسب برای پرورش ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان و برخورداری آنان از نشاط معنوی لازم، بسیار سود برد.

نگارنده در این مقاله قصد دارد تا آنجا که می‌تواند، نخست مفهوم اصطلاحی واژه «مضمون» و عوامل و عناصر مربوط با آن را روشن گرداند و سپس در باب شیوه‌های مناسب عرضه و ارائه مضمون در شعر کودک و نوجوان و تأثیر عوامل فنی در کیفیت آن به بحث بپردازد.

کلیدواژه‌ها: شعر، کودک، نوجوان، مضمون

۱- مقدمه

یکی از محققان معروف عرب می‌گوید: «شعر، نزدیک‌ترین نوع ادبی به دنیای کودکان است.» (عبدالطوب یوسف، ۱۴۱۹: ۴۶) وی می‌افزاید: «کودکان، خود شاعرند و همه عاشق شعرند. ما مییم که آنها را تباه می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم بذر شعر در وجودشان بروید و ببالد.» (عبدالطوب یوسف، ۱۴۱۹: ۴۷) در شعر ویژگی‌هایی هست که مطلوب فطری و غریزی کودکان است. بدیهی است که از این تمایلات می‌توان در پرورش فکری و ذهنی آنان بسیار سود برد. شعر خوب، کلام زیبا و تأثیرگذاری است که می‌تواند در دل و جان آنها جای گیرد و در فکر آنها تأثیر بگذارد. شعر خوب می‌تواند کودکان را به هیجان آورد، به آنها حرکت ببخشد، آنها را از نشاط عقلی و روانی برخوردار گرداند و به آنها بینایی و دانایی ببخشد.^۱ کودک به علت حساسیت‌های بسیاری که دارد، در شعر غرق می‌شود؛ بنابراین، آنچه را که باید ببیند، باید به او نشان دهیم و از آنچه نباید، باید او را دور نگاه داریم.

«ادبیات بر خلاف آنچه برخی گمان کرده‌اند، صرفاً برای تسلیت و آرام کردن آدمی نیست، بلکه خود نوعی تغذیه فکری و فرهنگی است.» (میرابیل، ۱۹۹۷: ۳۷)

^۱ پیامبر گرامی اسلام (ص)، نشاط عقلانی را لازمه بینایی و دانایی می‌دانند: «رَوَّحُوا الْقُلُوبَ سَاعَةً فَسَاعَةً فَإِنَّ الْقُلُوبَ إِذَا كَلَّتْ عَمِيَتْ». (السیوطی، ۱۴۱۸: ۲۲۲۸)

مجموعه‌ای از معلومات دینی، فرهنگی، ادبی، احساسی، اخلاقی و اجتماعی که به گونه‌ای لطیف و غیرمستقیم می‌تواند جهان‌بینی او را کاملاً دیگرگون نماید.

کودکان ما آینده ما هستند. آنها همان گونه پرورده می‌شوند و می‌بالند که ما می‌خواهیم؛ بنابراین ما با آنچه به آنها می‌دهیم، نه تنها آنها را، بلکه آینده خود و سرزمین خود را می‌سازیم. (نجیب احمد، بی تا: ۸۱) کودکان امروز، مردان و زنان آینده‌اند. آنها هستند که تمدن ما را، فرهنگ ما را و آینده ما را می‌سازند. آنها هستند که می‌توانند ما را به آرزوهایمان برسانند. به تعبیر یکی از نویسندگان، «تاریخ، قلم در دست گرفته است و در انتظار نشسته است تا بر صفحات خویش که تا ابد باقی خواهند ماند، بنویسد نام کسانی را که با تمام وجود، راهی را که بایسته بود، در پیش گرفتند و با درست پروردن کودکان، آینده سرزمین خویش را بنا نهادند.» (نجیب احمد، بی تا: ۸۴)

آموخته‌ها و عادات دوران کودکی در تکوین شخصیت و رویکردهای آدمی در آینده بسیار تأثیرگذار است، به گونه‌ای که شاید تغییر و تعدیل آن در ادوار بعد بسیار دشوار و حتی گاهی غیرممکن باشد. حدیث معروف نبوی نیز ناظر بر این معنی است: «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ»^۲ (السیوطی، ۱۴۱۸: ۳۳۲۹)

باید تلاش کنیم واقعیت را آنچنان که هست به کودکان نشان دهیم؛ واقع‌بینی آنها سبب می‌شود شناخت صحیحی از زندگی و جامعه خود داشته باشند. آنها اگر گذشته و حال خود را به درستی بشناسند، می‌توانند برای آینده خود و جامعه خود آنچنان که باید، برنامه‌ریزی و در راستای رسیدن بدان تلاش نمایند.

ما باید کودکان خود را به سوی خوبی و پاکی سوق دهیم و تا آنجا که ممکن است، آنها را از زشتی، ناپاکی و انحرافات اخلاقی دور گردانیم. تلاش کنیم سعادت واقعی را

^۲ این حدیث در برخی از منابع روایی، از جمله «کنوز الحقائق»، به صورت معروف «العلم في الصغر كالنقش في الحجر» نیز آمده است. (رک: فروزان‌فر، ۱۳۷۰: ۱۷۷) اما منابع معتبرتر آن را به همان ترتیب که در متن آورده‌ایم، نقل کرده‌اند.

به آنها بشناسانیم تا بتوانند برای دستیابی به آن بکوشند و در این راه، تعادل و توازن روحی خود را حفظ نمایند. بخصوص در این عصر که مشکلات و موانع فکری و فرهنگی بسیاری بر سر راه کودکان هست.

علی رغم تصور برخی، از جاذبه‌های بسیاری که در شعر هست، در پیشبرد اهداف فرهنگی و تربیتی کودکان و برخورداری آنان از شادابی فکری و نشاط عقلی می‌توان بسیار سود برد؛ با توجه و توسل به شعر می‌توانیم ذوق سلیم را در آنها پرورانیم و زیبایی واقعی را به آنها بشناسانیم.

با کمال تأسف، در تمامی ادوار گذشته، ادبیات کودک و نوجوان، حتی در میان اهل فن و متخصصان نیز مورد بی‌مهری و کم‌توجهی بوده است، اما این بخش از ادبیات، در پرورش ذهنی، فکری و فرهنگی آنان، آن اندازه بااهمیت و تأثیرگذار است که می‌توانیم شاعران، نویسندگان و محققان این حوزه را پیشگامان و پرچمداران واقعی پیشرفت و توسعه جامعه به شمار آوریم.

«ادبیات کودکان و نوجوانان نیز بخشی از ادبیات در مفهوم عام آن است که نوشتن و خواندن آن و تجزیه و تحلیل و آموزش آن و تحقیق در باب آن نیز همانند ادبیات بزرگسالان امکان‌پذیر است.» (Marshall, 1986: 60)

آموزه‌های دینی ما نیز همواره به دقت و توجه در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان توجه خاصی داشته‌اند و ما را به تأمل و تحقیق در باب آن توصیه نموده‌اند. بایسته است ندای آسمانی اسلام را بشنویم و با تربیت صحیح فرزندان خویش، در زمانی که بایسته است، آنها را برای رویارویی با آینده مهیا گردانیم.

اما برای آن که بتوانیم آثار خوب و بافایده‌ای برای کودکان و نوجوانان بیافرینیم، باید نخست دنیای آنها و بخصوص تخیلات و آرزوهایشان را به‌خوبی بشناسیم. کودکی دارای مراحل گوناگونی است و هر کدام از آن مراحل ویژگی‌های متمایزی دارد که باید

کاملاً به آن نظر داشته باشیم و به تناسب شکل و مضمون اثر با ویژگی‌های متمایز هر دوره بیش از پیش توجه نماییم.

کسی که برای کودکان و نوجوانان شعر می‌نویسد، کافی نیست به تنها گذشته و کودکی‌های خویش بازگردد و درباب آن سخن بگوید؛ او باید با کودک و نوجوان امروز زندگی کند و بداند و بپذیرد که زندگی و دنیای آنها بسیار تغییر نموده است. او باید نیازهای خاص کودکان و نوجوانان را بشناسد و تلاش نماید تا آنجا که می‌تواند پیوندهای آنها با زندگی را تنظیم نماید.

۲- «مضمون» و اهمیت آن

شعر نیز همانند هر نوع صورت کلامی دیگر، اساساً معنی‌گراست و درواقع، توسل به عناصری از قبیل شکل و قالب و موسیقی و تصویر و تخیل نیز تلاشی در جهت القای معنی است؛ از این جهت، همواره باید توجه خاصی بدان داشته باشیم. عملکرد درست ما در شعر و بیان مناسب مضامین متعالی در شعر می‌تواند عواطف پاک و انسانی کودکان را برانگیزد، انگیزه‌های دوستی و یاری و مهربانی را در آنها به وجود آورد، به گونه‌ای بایسته، حس زیبایی‌شناسی را در آنها تقویت نماید و بارور گرداند، آنان را به تلاش و سخت‌کوشی وادارد، روح خداشناسی و دین‌باوری را در آنها بیالاند و در اندیشه، اخلاق و رفتار آنها تغییرات شگفتی ایجاد نماید. آری، با توجه خاص به مضمون و محتوا در شعر کودک و نوجوان، می‌توانیم بسیاری از اهداف آموزشی، تربیتی، دینی و فرهنگی خود را محقق گردانیم.

اما «مضمون»، واژه‌ای است که در فرهنگ ادبی ما همواره و در همه‌ی ادوار، تنها درباب شعر به کار رفته و هرگز به نثر اطلاق نشده است.^۳ بدیهی است که این کلمه را

^۳ اصطلاحاً درونمایه و مضمون (theme) با موضوع (topic یا subject) دارای تفاوت‌های بنیادی است چرا که ممکن است درونمایه‌های چند اثر هنری دارای اندیشه‌های متفاوتی باشند در پیرامون یک موضوع واحد؛ فی‌المثل «وطن» یا «عشق» می‌تواند موضوع خاصی باشد که اندیشه‌های متفاوتی درباب آن مطرح می‌شود. (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۰۹)

هرگز نمی‌توان و نباید با واژه «معنی» مترادف دانست. بدین ترتیب، به سادگی می‌توان دریافت که مراد از مضمون، «معنی شاعرانه» است. اما شاعرانگی در چیست؟ به عبارت دیگر، پیوند کدام عوامل و عناصر به ماده‌ی معنی، آن را شاعرانه می‌گرداند؟

می‌دانیم که از دیرباز در این باب بحث‌های بسیاری بوده است و اهل فن عناصر و عوامل متعددی را در این امر دخیل دانسته‌اند (رک: شفیع کدکنی، ۱۳۶۸: ۸۳)، اما در هر حال، مسلم است که تأثیر عواملی از قبیل احساس و عاطفه، آهنگ و موسیقی، زبان و دایره واژگان، شکل و قالب و سرانجام تخیل و تصویر را در این میان نمی‌توان نادیده انگاشت و از آنجا که زبان یک نظام یا سیستم است و تغییر هر یک از عناصر آن، بر دیگر اجزا و عناصر نیز تأثیرگذار است، در عالی‌ترین و منسجم‌ترین صورت زبانی، یعنی شعر نیز تأثیر تغییرات موجود در یکی از این عوامل و عناصر را هرگز نمی‌توان در دیگر عناصر نادیده انگاشت. «شلگل» (Schlegel) می‌نویسد: «آن اثر هنری دارای کمال مطلوب است که در آن ماده و شکل و عبارت و معنا چنان کاملاً در ممزوج شده باشند که نتوانیم آنها را از هم بازشناسیم.» (ولک، ۱۳۷۷: ۲، ۶۵)

مراد از «مضمون»، هر چیزی است که شعر از لحاظ معنایی و مفهومی به مخاطب می‌دهد، از قبیل اندیشه، آگاهی، معرفت، خیال، الگوها و شیوه‌های رفتار و مانند آن. یک شعر خوب، نه تنها به واسطه کلمات، بلکه با تمامی آنچه در بر دارد، از قبیل تصاویر، خطوط، اشکال و حتی نوع و قطع و اندازه کاغذ، فضاها و خالی بین کلمات و سطور و تصاویر، نحوه ترکیب و چینش کلمات و مانند آن در خواننده یا شنونده تأثیر می‌نهد. بدین ترتیب می‌توان دریافت که مضمون شعر در هر حال، با ذوق و ظرافت‌های فنی نیز کاملاً در ارتباط است. پس از انتخاب مضمون مناسب، تا آنجا که ممکن است، باید آن را پیرور کنیم و از شبهه‌ها و شائبه‌ها بپیراییم و در نهایت، با انتخاب شکل مناسب برای آن، تلاش کنیم آن را آنچنان که بایسته و شایسته است، ارائه نماییم.

مضمون شعر، نخست باید خوب باشد و سپس باید با مخاطب تناسب داشته باشد و به قصد او سروده شده باشد تا بتواند اهدافی را که در پی آنیم، به نیکی برآورده نماید. در

اغلب موارد، مراد از این تناسب، توجه به اهمیت تعلیمی این قبیل آثار است. به عنوان نمونه، در کتاب‌های درسی کودکان و نوجوانان، اشعاری از شاعرانی از قبیل «سهراب» و «شهریار» و «نیما»، می‌بینیم، در حالی که این شاعران، آنها را به قصد این مخاطبان نسروده‌اند و این می‌تواند سبب اشکال به شمار آید.

۳- منابع و مصادر اصلی «مضمون»

مهم‌ترین مصادر سنتی این نوع ادبیات، عبارتند از قرآن، سیره و سنت، آثار ادبی کهن و ترجمه. قرآن، حدیث، سنت و سیره را در مجموع می‌توان میراث دینی شمرد و فرهنگ^۴ و زبان و ادبیات را مجموعاً می‌توان میراث ملی نامید.

یکی از منابع بسیار مهمی که همواره می‌تواند در انتخاب، پرورش و پالایش مضامین شعر کودکان و نوجوانان مورد استفاده باشد، متون ادبی کهن و کلاسیک ماست. نکته‌ی بسیار مهمی که در بهره‌گیری از این متون باید در نظر داشته باشیم، تغییرات و تحولات بسیاری است که با گذشت زمان روی داده است. این تغییرات و تحولات بسیاری از معیارها و موازین را تغییر داده و شکل دیگری بدانها بخشیده است. بنابراین همواره باید متون کهن و کلاسیکی را که از آنها استفاده می‌کنیم، در عین پای‌بندی به اصول، با نیازها و معیارهای کودکان امروز تطبیق دهیم.

ادبیات کهن ما آن اندازه پر بار و غنی است که نه تنها حتی شاعران و نویسندگان دیگر سرزمین‌ها نیز در تألیف و تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان از آنها بهره‌ها می‌برند؛ به عنوان نمونه، دو تن از نویسندگان غربی به نام «کارپنتر» و «پریچارد» در تألیف کتاب معروف خود از «کلیه و دمنه» و «داستان‌های بیدپای» استفاده کرده‌اند. (رک: Carpenter, 1984: 393) در میان شاعران بزرگ عرب نیز می‌توان از «احمد

^۴ فرهنگ در مفهوم عام خود، ادبیات را نیز در بر می‌گیرد. تعریفهای بسیاری از فرهنگ کرده‌اند، اما اغلب آنها تحت تأثیر تعریف «دوارد تایلور» بوده است؛ وی می‌گوید: «فرهنگ، مرکب است از معرفت و عقاید و فن و اخلاق و قانون و عادات و غیر آن از تواناییها و عاداتی که انسان کسب می‌کند. تا با داشتن آن، عضوی از آن جامعه به شمار آید.» (وصفی، ۱۹۸۱: ۸۰)

شوقی» نام برد که بیش از همه از این منابع سود برده است. (رک: سعد ابوالرضا، ۱۹۹۳: ۱۴۷)

فرهنگ عامه نیز از منابع مهم تأثیرگذار در شعر کودک است. فرهنگ عامه، از انجایی که دیرزمانی در ذهنیت قومی مانده است، می‌تواند گذشته را با حال پیوند دهد و از ایجاد گسست در بین آن دو مانع گردد. تصفیه و تهذیب این میراث بزرگ و ارزشمند در پرداخت آثار ادبی جدید نیز از ضروریات است.

یکی دیگر از منابع و مصادر ادبی شعر کودکان نیز ترجمه است. مسلم است که در امر ترجمه نیز باید به تفاوت‌های فرهنگی موجود توجه داشته باشیم. ادبیات هر ملتی، از عناصر شناخته شده‌ی فرهنگی آن است. در واقع، فکر و فرهنگ هر ملتی، به واسطه زبان آنها در آثار ادبی تجسم می‌یابد. (الهی‌تی، ۱۴۰۸: ۳۱) آثار ادبی، به واسطه زبان، می‌توانند مفاهیم مجرد و معنوی خاصی از قبیل شجاعت، دوستی، ایثار، تعاون، وفا و مانند آن را به صورت محسوس درآورند و آنها را به ذهن کودکان نزدیک گردانند.

۴- ویژگی‌های فنی

کودکان و نوجوانان ایرانی، دیرزمانی از آثاری که صرفاً برای آنها نوشته شده باشند، محروم بوده‌اند؛ اکنون نیز هرچند به ظاهر کتاب‌های شعری که آنها چاپ می‌شوند، بسیارند، اما متأسفانه نه تنها اشعار و آثار خوب در میان آنها بسیار اندک است، بلکه در موارد بسیاری از کیفیت‌های فنی لازم نیز برخوردار نیستند؛ کتاب‌هایی که اغلب غلط‌های بسیاری در آنها هست؛ کتاب‌هایی که آفریده‌ی طبع شاعران واقعی نیستند، بلکه حاصل تلاش متشاعران‌اند و اگر انگیزه‌های بی‌ارزش مادی و مانند آن را از نظر دور گردانیم، در خوش‌بینانه‌ترین حالات می‌توان گفت که حاصل بی‌ذوقی و عدم آگاهی پدیدآورندگان خود می‌باشند. این واقعیت حقیقتاً توجه بیشتر نهادها و سازمان‌های مسئول را در این خصوص طلب می‌کند. در تولید و پدید آوردن کتاب شعر برای کودکان و نوجوان، تا آنجا که لازم است، باید از شتاب‌زدگی پرهیز کرد. باید در شکل و رنگ و حجم و چاپ کتاب شعر دقت بسیار کرد. کم نیستند کتاب‌های شعری که به

ظاهر بسیار زیبا و فاخرند، اما گاه مضامین کم‌ارزش یا حتی بی‌ارزش، بد و نامناسبی در آن نهفته است.

کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شود، شکل فنی ویژه‌ای دارد. در چاپ و انتشار کتاب، بخصوص کتاب شعر برای آنان باید به کیفیت صفحه‌پردازی و تصویرگری توجه خاصی داشته باشیم. این امر در باب کودکان کم‌سن و سال‌تر در قیاس با نوجوانان از اهمیت بیشتری برخوردار است. بخصوص در دورهٔ پیش‌دبستانی کتاب‌هایی می‌توان یافت که هیچ نوشته‌ای در آنها نیست و کاملاً حالتی تصویری دارند.

«شکری عباد» می‌گوید: «ادبیات کودکان، تنها کاری آموزشی و تربیتی نیست، بلکه در عین حال، امری فنی نیز هست؛ ما اگر در توجه به تربیت کودکان کم‌توجه و بی‌مبالا باشیم، در توجه به تأثیر امور فنی، کم‌توجه‌تر و بی‌مبالا تریم.» (شکری عباد، بی‌تا : ۱۹۷) تحقق اهداف در خلق آثار ادبی، به جهات فنی آنها وابسته است. آثار ادبی در صورتی که از ویژگی‌های فنی لازم برخوردار باشند، می‌توانند نیازهای نفسانی، روحانی و عقلانی کودکان ما را برآورند و آنها را از ذوق سلیم سرشار گردانند و برای رویارویی با زندگی مهیا تر گردانند.

به عنوان نمونه، نگاه زیبایی‌شناختی در چاپ و انتشار این قبیل آثار می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد و گذشته از زیبایی خیال، زیبایی خطوط و کلمات، زیبایی اشکال و تصاویر و دیگر جهات فنی را در بر بگیرد.

بدیهی است که شکل فنی یک کتاب علمی هرگز نمی‌تواند و نباید با شکل فنی یک کتاب داستان یا کتاب شعر همانند باشد. بی‌توجهی به ویژگی‌های فنی شعر، می‌تواند تلاش‌های آموزشی و تربیتی ما را تضییع نماید.

کتاب شعری که برای کودکان یا نوجوانان چاپ می‌شود، همانند تمامی آثار ادبی دیگر، در همان حال که معانی و مفاهیم عمیقی در خود دارد، باید از بلندی اسلوب تعبیر و کیفیت‌های فنی لازم نیز برخوردار باشد. متأسفانه در بسیاری از کتاب‌هایی که برای

این گروه‌های سنی چاپ می‌شود، این گونه ملاحظات فنی، آن‌چنان که باید، رعایت نمی‌شوند.

اسلوب، مهم‌ترین وجه تمایز کتاب‌های کودکان است؛ کتاب‌هایی که برای آنها نوشته می‌شود، از هر لحاظ ساده است؛ اما این که کدام شعر مناسب کودکان است، بسته به اهدافی است که ما تعیین می‌کنیم. تصاویر، اشکال و رنگ‌ها که از هر چیز دیگر به دنیای کودکان نزدیک‌ترند (رک: Powlin, 1998: 169)، می‌توانند موجب غنا و اشباع معنایی و مفهومی متن گردند.

تمامی کسانی که در چاپ و نشر یک کتاب شعر با شاعر همکاری می‌کنند، از قیل تصویرگران، صفحه‌پردازان، ویراستاران و مانند آن، باید از مضمون و محتوای اثر کاملاً آگاه باشند و به سن و سال مخاطب و افکار و عواطف او توجه نمایند. حتی درشتی و ریزی خط و تناسب حروف و کلمات نیز باید کاملاً با مضمون شعر متناسب باشند.

در این خصوص، باید دقت بسیار داشته باشیم و از هر گونه سطحی‌نگری و شتاب‌زدگی پرهیز نماییم. نباید با ذهن و روح کودک بازی کنیم. نباید به آنها دروغ بگوییم و نباید آنها را نسبت به خود بی‌اعتماد کنیم، و گرنه همواره از ما و تمام آنچه می‌خواهیم به آنها بیاموزیم، خواهند گریخت. در هر حال باید در نظر داشته باشیم که دنیای کودکان با دنیای ما بسیار متفاوت است. در عین حال، یکی از اهداف ما در خلق و نقل آثار ادبی برای کودکان و نوجوانان باید مهیا ساختن آنان و ایجاد توانایی‌های لازم در آنان برای ابداعات ادبی باشد.

شعری که برای کودکان و نوجوانان سروده می‌شود، باید بتواند به سؤالاتی که در ذهن آنهاست و حتی بر زبان آنها نیز نمی‌آید، پاسخ دهد. کودکان ما باید بدانند در این جهان بزرگ، جای آنها کجاست. آنچه در وهله نخست می‌تواند این هدف را محقق نماید، شناخت صحیح ما از کودکان است. اگر آنها را نشناسیم، نمی‌توانیم به دنیای آنها راه بیابیم.

مضمون و موضوع یک اثر ممکن است دینی، اجتماعی، تاریخی و اساطیری، وطنی، پهلوانی و قهرمانی و مانند آن باشد، اما در هر حال آن را نباید به گونه‌ای ارائه کنیم که باعث آزرده‌گی خاطر و بی‌میلی کودک باشد، وگرنه موجب دوری وی از موضوع و ماده‌ی اصلی اثر خواهد شد و این تأثیر منفی و ناخوشایند تا پایان عمر در وی باقی خواهد ماند.

عنوان اثر نیز با مضمون و محتوای آن پیوندی نزدیک دارد و در جذب مخاطب می‌تواند بسیار تأثیرگذار و بااهمیت باشد. عنوان اثر گاهی گمراه‌کننده و با مضمون و محتوای آن بی‌ارتباط است و این درنهایت می‌تواند ما را از دستیابی به اهدافمان بازدارد.

۵- ویژگی‌های هنری

مهم‌ترین عنصر آثار ادبی برای بیان زیبا و مؤثر، کلمه است و خلق یک اثر ادبی، از جمله شعر، به واسطه کلمات انجام می‌پذیرد، اما صرفاً کنار هم نشستن کلمات موجب تحقق این امر نمی‌گردد. در شعر، گذشته از کلمه، عناصر دیگری از قبیل موسیقی، تخیل، تصویر و عاطفه و احساس نیز وجود دارند که در تمامی تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به این نوع شعر، باید آنها را در نظر گیریم.

۵-۱- زبان

مهم‌ترین ویژگی زبانی شعر کودک، سادگی آن است. شعر را باید تا جایی که ممکن است، به فهم کودکان نزدیک ساخت. شعری که قابل فهم نباشد، نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. محدوده واژگان کودکان و نوجوانان محدودتر است؛ این حال، اقتضا می‌کند که زبان آثاری که برای آنها نوشته می‌شوند، ساده، روان و روشن باشد. در پرداخت مضامین، همواره باید از مبالغه در نمادگرایی و رمزپردازی و غموض پرهیز نماییم و سخن را از ادراک کودکان دور نگردانیم. بدین منظور، کلماتی که در این نوع از شعر به کار می‌روند، باید کلمات نرم و لطیف و گوش‌نوازی برگزینیم که از موسیقی دل‌نشین و دل‌نوازی برخوردار باشند تا بتواند به آنها لذت بخشند و بر آنها تأثیر

بگذارند. کوتاهی جملات، کاربرد کلمات آشنا، و پرداختن به فکر واحد در شعر نیز می‌توانند از عوامل مؤثر در این امر باشند.

آراستگی و پیراستگی زبان، از ویژگی‌های متمایز تمام آثار ادبی، از جمله اشعار کودکان و نوجوانان است؛ تعابیر زیبایی که مضمون آن مفاهیم عقلانی و وجدانی آمیخته با احساس و عاطفه و تخیل است؛ به گونه‌ای که خیال را برانگیزد و عواطف و احساسات را به حرکت درآورد. (الصاوی، ۱۹۹۷: ۱۷)

یکی از وظایف مهم ما آن است که تا حد ممکن در پرورش زبانی و ادبی کودکان بکوشیم و همواره بدین نکته توجه نماییم که شعر اصیل و خوب، همواره از خطاب مستقیم پرهیز دارد و به گونه‌ای صریح به پند دادن نمی‌پردازد؛ بیان مستقیم، اساساً با روح ادبیات و بخصوص شعر منافات دارد.

۵-۲- تصویر

«بیشتر منتقدان جدید، طالب آن‌اند که شعر دارای کیفیتی ملموس و تصویرگونه و دقیق باشد نه انتزاعی و کلی.» (ولک، ۱۳۷۷: ۱، ۳۹) مهم‌ترین ویژگی فنی و تکنیکی شعر را می‌توان در توجه خاص آن به تصویر دانست. در شعر غالباً مدلولی محسوس، همتا و همانند مدلولی ذهنی، مجرد و نامحسوس می‌شود یا جایگزین آن می‌گردد تا با روشنی بیشتر آن را بازنماید. به عبارت دیگر، هر کدام از عناصر محسوس و ملموس در شعر، به واسطه معنای خاص نهفته در خود یا در نتیجه این پیوند، مفاهیم ذهنی مجردی را بازگو می‌کنند و جهان درون را به جهان بیرون پیوند می‌زنند و بدین گونه است که تصویری، خلق می‌شود. شاید بتوان گفت که بدون بهره‌گیری از این عناصر محسوس و ملموس، هرگز نمی‌توان در شعر تصویر آفرید و دقیقاً به همین علت است که می‌توان شعر را تصویرگراترین نوع هنرهای کلامی به شمار آورد. شاعران خوب، با توسل به آنچه در زندگی روزانه‌ی کودکان است و با توجه به چیزهای کوچکی که معمولاً ما به آنها اهمیت نمی‌دهیم، مفاهیم ذهنی و مجرد را برای آنها محسوس گردانیم. بدین ترتیب،

معلوم می‌گردد که با توسل به عناصر تصویر و تجزیه و تحلیل آنها به نیکی می‌توان به ژرف‌ساخت معنایی موجود در آثار شعری دست یافت.

ادبیات، نظامی تصویری و نمادین است؛ «شلینگ» (Schelling) می‌نویسد: «زیبایی، بازآفرینی نمادین امر بیکران است.» (ولک، ۱۳۷۷: ۲، ۵۹) تصویر و «نماد است که ایده را در دسترس ما قرار می‌دهد و قابل رؤیت می‌سازد.» (ولک، ۱۳۷۷: ۲، ۲۰۸)

۵-۳- تخیل

تخیل نیز از عناصری است که در پرورش و تربیت ذهنی و روانی کودک و نوجوان از اهمیت بسیاری برخوردار است. جوهر شعر، احساس و عاطفه است. در واقع، غالباً شاعر تجربیات خود را به یاری احساس و عاطفه و تخیل به تصویر می‌کشد. در این نوع از شعر باید به عنصر خیال و تأثیر آن با دقت و ظرافت بیشتری بپردازیم. باید از خرافه-پردازی پرهیزیم و تلاش کنیم تا آنجا که ممکن است آنها را به حقیقت‌جویی و واقع-گرایی سوق دهیم. با وجود آن که عنصر خیال در این نوع از ادبیات از اهمیت بسیاری برخوردار است و با استفاده از امکانات علمی و فنی پیشرفته‌ی امروز می‌توانیم بیش از پیش آن را به تصویر بکشیم و به نیکی از آن در در القا و تثبیت مضمون در ذهن مخاطب بهره بگیریم، همواره باید حدود تخیل را در آن تعیین کنیم، به گونه‌ای که آنها را از وقایع و حقایق دور نگردانیم و در دام خرافه‌پردازی یا خیالات هولناک نیفتیم یا حقیقت و خیال را به گونه‌ای با هم درنیامیزیم که ذهن کودکان را در دریافت مضامین اصیل مورد نظر، به تشویش و اضطراب و پریشانی فکر دچار کنیم. در شعر کودکان و نوجوانان، بیش از اندازه غرق شدن در خیال نیز به اندازه‌ی بیان عریان و بی‌پرده‌ی واقعیت ناپسند است.

بدیهی است که این امر در کتاب‌های درسی، با توجه به پرمخاطب بودن آنها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این قبیل آثار باید به پرورش احساسی، عاطفی کودکان توجه خاصی داشته باشیم و تا آنجا که ممکن است، در بیداری ذهنی و روانی آنها بکوشیم.

۵-۴- شکل و قالب

مضمون شعر، باید کاملاً با شکل و قالب آن متناسب باشد. از آنجا که مضمون و محتوا اصل است و شکل و قالب، فرع، شکل شعر باید در خدمت مضمون آن باشد تا در نهایت، اثر به اهدافی که از آن در نظر بوده است، دست یابد.

همواره باید تناسب شکل فنی آثار با مضمون آنها را در نظر داشت. شعر ممکن است بدون وزن و قافیه باشد، اما نمی‌تواند بی‌شکل باشد. اساساً وزن و قافیه خود عناصری هستند که به شعر شکل می‌بخشند و نبودن آنها خود باعث تغییر شکل شعر می‌گردد.

داستان، معروف‌ترین شکل فنی موجود در کتاب‌های کودکان و نوجوانان است، اما در عین حال، وجود آن، اشکال فنی دیگری از قبیل شعر و نمایش‌نامه را نفی نمی‌کند. نمایش‌نامه نیز موضوع یا مضمون نیست، بلکه همانند قصه، شکل فنی یا نوع ادبی آن است و می‌تواند موضوعات و مضمون‌های گوناگونی را در بر داشته باشد. نمایش‌نامه‌ها نیز ممکن است تاریخی، علمی، دینی یا مانند آن باشند. موارد بسیاری می‌توان یافت که در آنها شاعران با زبان شعر به نقل داستان می‌پردازند یا نمایش‌نامه‌ای خلق می‌کنند. داستان و نمایش، خود مضمون نیستند، بلکه شکل فنی یا شیوه‌ای برای عرضه و ارائه آن‌اند؛ به عبارت دیگر، قصه، داستان و نمایش را می‌توان قالب بیان مضمون و محتوا دانست. این قالب می‌تواند موضوعات و مضمون‌های متعددی را در بر داشته باشد. از قبیل داستان‌های دینی، داستان‌های اجتماعی و داستان‌های علمی و مانند آن. همچنان که «مولانا» می‌گوید:

ای برادر قصه چون پیمان‌های است معنی اندر وی مثال دانه‌ای است (مولانا،

۱۳۶۲: ۳۷۱)

بنابراین، در تفکیک موضوعی اشعار، نمی‌توان و نباید قصه، داستان و نمایش را از موضوعات دینی، اجتماعی و علمی تفکیک کنیم و آن را موضوعی جداگانه به شمار آوریم. این رفتار نادرست، ممکن است این توهم را به وجود آورد که قصه، فقط قصه

است و نمایش، تنها نمایش.. داستان و نمایش را در تقسیم‌بندی موضوعی کتاب‌ها در نظام دیوئی نیز جزو یکی از اقسام ده‌گانه‌ی اصلی نمی‌شمارند برای آن که داستان و نمایش، اشکال ادبی هستند و مضمون یا موضوع نیستند. مضمون شعر و داستان و نمایش، خود ممکن است جزو فروع مجموعه دانش بشری باشد؛ به تعبیر دیگر، شعر و داستان و نمایش ممکن است مضمونی دینی، تاریخی یا اجتماعی داشته باشد.

در توجه به روابط منطقی موجود در میان مضمون و شکل اثر، هیچک از آن دو را بدون دیگری نباید و نمی‌توانیم کامل بدانیم. توجه به این امر، لازم می‌گردد هر دو را با معیارهای صحیح و سالم شعر کودکان و نوجوانان تطبیق و خود را از انحراف دور نماییم.

۵-۵- موسیقی

موسیقی، هدیه آسمان به زمین است. «افلاطون» که اهمیت بسیاری برای موسیقی قائل است، اعتقاد دارد که موسیقی در اعماق روح آدمی نفوذ می‌کند و بیشترین سیطره را بر آن دارد. وی همچنین فقدان زیبایی، ایقاع و تناسق را با فساد و سوء اخلاق در ارتباط می‌داند. (رک: گات، ۱۳۸۴: ۴) موسیقی، وسیله‌ای برای تقریب شعر به ذهن کودکان است. در عین حال، برخی از اقسام شعر، از جمله، سرودها، آوازها و تصنیف‌ها نیز هستند که از اقسام دیگر به موسیقی نزدیک‌ترند. نسبت گوش به موسیقی، مانند نسبت تصویر به چشم است. موسیقی شعر کودکان باید مناسب روح لطیف و اندیشه‌ی ظریف و احساسات رقیق آنها باشد.

۶- نتیجه‌گیری

«مضمون»، همان معنی و مفهوم شاعرانه است. موارث دینی و ملی ما از چنان غنایی برخوردار است که در پرورش فکری و فرهنگی کودکان و نوجوانان و برخورداری آنان از طراوت و نشاط روانی و عقلانی لازم به‌خوبی می‌توان از آنها سود برد. در بهره-

گیری از منابع فکری و ادبی دیگر زبان‌ها نیز همواره باید به تفاوت‌های فرهنگی خاص توجه داشت.

شرط اول عرضه و ارائه مناسب مضمون، شناخت صحیح دنیای کودکان و افکار، امیال و آرزوهای آنان است. در عین حال، در این میان برخورداری از قابلیت‌های هنری و کمیت و کیفیت بهره‌گیری از عوامل و عناصر فنی را نیز نباید از نظر دور داشت. رعایت سادگی، روشنی و روانی زبان، تعیین دقیق حدود تخیل با توجه به حساسیت‌های بسیار کودکان و پرهیز از خرافه‌گرایی و خرافه‌پرستی، توجه به لزوم حفظ سلامت و تعادل روحی - روانی کودکان در برخوردهای احساسی - عاطفی، بهره‌گیری بجای و مناسب از عنصر موسیقی و آهنگ و دقت در تناسب آن با افکار و عواطف مخاطب و توجه به تناسب آن با مضمون و محتوای شعر و استفاده صحیح از اشیاء و پدیده‌های ملموس و آشنا در خلق تصویر، به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر شعر نیز از مسائلی هستند که در آفرینش شعر برای کودکان و نوجوانان و پرداخت بایسته و شایسته مضمون، همواره باید به آنها نظر داشت.

منابع

آجودانی، ماشاء الله. (۱۳۸۲). یا مرگ یا تجدد (دفتری در شعر و ادب مشروطه). تهران: اختران.

السیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۱۸). جمع الجوامع. بیروت: دار الکتب العلمیه.

الصاوی الجوینی، مصطفی. (۱۹۹۷). حول ادب الاطفال. الاسکندریه: منشأة المعارف.

الهیته، هادی نعمان. (۱۴۰۸). ثقافة الاطفال. کویت: عالم المعرفة.

سعد ابوالرضا. (۱۹۹۳). النص الادبی للاطفال. عمان: دارالبشیر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.

- شكرى، عباد. (بى تا). الادب فى عالم متغير. بيروت: دارالعلم.
- شوقى، احمد. (١٩٨٤). ديوان شقى للاطفال. تقديم و اعداد عبدالوهاب الازرق. القاهرة: دارالمعارف.
- عبدالنواب يوسف. (١٤١٩). طفل ما قبل المدرسه. القاهرة: الدار المصريه اللبنانيه.
- فروزان فر، بديع الزمان. (١٣٧٠). احاديث مثنوى. تهران: امير كبير.
- كات، بريس. (١٣٨٤). دانشنامه زيبايى شناسى. ترجمهى گروه مترجمان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- مولانا، جلال الدين محمد بلخى. (١٣٤٢). مثنوى معنوى. تصحيح رينولد الين نيكلسون. تهران: امير كبير.
- ميرابل، سيسيليا. (١٩٩٧). مشكلات ادب الطفلى. ترجمه مها عرنوق. دمشق: منشورات وزارة الثقافة.
- نجيب، احمد. (بى تا). المضمون فى كتب الاطفال. بيروت: دارالفكر العربى.
- وصفى، عاطف. (١٩٨١). الثقافة و الشخصيه. بيروت: دار النهضة العربيه للطباعة و النشر.
- ولك، رنه. (١٣٣٧). تاريخ نقد جديد. ترجمه سعيد ارباب شيرانى. تهران: نيلوفر.
- Carpenter, Humphrey and Prichard, Mari, *The Oxford Companion to Children's Literature*, New York 1948.
- Marshall, Margarit R., *An Introduction to the World at Children's Books*, USA 1986.
- Powlin, Mary Ann, *Creative Uses of Children's Literature*, USA 1998.